چهره روز

گردهمایی هنرمندان دریادبود هما روستا



شرق: دوستان هما روستا، سه هفته پس از درگذشت او، گردهم آمدند تا یادش را زنده کنند. در مراسم یادبودی که عصر ۲۳ مهرماه برای هما روستا، به همت آکادمی سمندریان برگزار شده بود، جمع زیادی از هنرمندان و دوستان این بازیگر تئاتر حضور داشتند.در ابتدای این مراسم حسین پاکدل که اجرای آن را برعهده داشت، درخصوص این بازیگر تازه‌درگذشته گفت: در تاریخ بزرگانی بودند که همیشه به وزن بشریت چیزی اضافه کرده‌اند. اینها هیچ‌وقت نمی‌میرند و تمام نمی‌شوند. هما روستا پس از مرگش یک همای دیگر کم داشت که یادش را برای اطرافیانش زنده نگه دارد. همان‌طور که او پس از درگذشت حمید سمندریان یادش را برای ما زنده نگه داشت. در ادامه این برنامه رضا کیانیان با بیان اینکه دوست دارد این‌بار در مورد دوران پساهما صحبت کند تا یادآوری خاطرات او، افزود: امروز که حمید و هما هر دو رفته‌اند، نمی‌دانیم چه بر سر آکادمی سمندریان می‌آید. کیانیان در جواب اینکه پس برای زنده‌ها در زمان حیات چه می‌توانیم بکنیم، گفت: علاوه بر اینکه می‌توانیم برایشان مراسم‌های بزرگداشت برگزار کنیم می‌توانیم کار دیگری هم برای نگه‌داشتن تجربیات آنها انجام دهیم. او ادامه داد: از بازیگران و فعالان حوزه تئاتر می‌خواهم که پیش استادان تئاتر بروند و علاوه بر اینکه خاطرات آنان را ثبت می‌کنند، آموزش‌های آنها را هم درخصوص تئاتر یادداشت کنند تا بعد از رفتنشان آنچه که آنها داشتند سینه‌به‌سینه نقل نشود و ماندگار بماند. این بازیگر در پایان اظهار کرد: متأسفانه ما امروز هما را از دست دادیم و دیگر از دانشش چیزی باقی نیست. من امیدوارم که این کمپین تشکیل شود تا از دانش بزرگانی که امروز زنده‌اند چیزی باقی بماند.محمد چرمشیر، دیگر سخنران این مراسم، با بیان اینکه از مرگ حرف‌زدن کار سختی است و آن هم اگر مرگ هما روستا باشد، گفت: کاش این‌همه محبت و دوستی زمانی انجام می‌شد که هما هم زنده بود و در کنار ما نشسته بود.

چرمشیر همچنان ادامه داد: هما روستا اصولگرا بود و بر پای اصول خودش می‌ایستاد. من به ضرس‌قاطع می‌گویم که او می‌توانست چهره‌ای الگو برای ما باشد، ولی متأسفانه چون ما الگوهای خودمان را نمی‌شناسیم، هما روستا در محاق باقی ماند؛ زنی که به تمام معنا فرهیخته بود و بر سر اینکه بر اصول خودش بایستد تلاش و پایمردی کرد.

این کارگردان تئاتر همچنین یادآور شد: او زنی بود که تا آخرین روزهای زندگی‌اش سعی کرد به‌روز باشد و هردفعه چیز تازه‌ای برای ارائه‌دادن به ما داشته باشد. علی دهکردی، دیگر سخنران این مراسم، پس از اشاره به همبازی‌بودنش با هما روستا در فیلم «از کرخه تا راین» گفت: من اعتقاد دارم که اگر هما روستا آن نقش را در از کرخه تا راین بازی نمی‌کرد این فیلم نمی‌توانست آن‌قدر موفق شود. من افتخار داشتم تا در کنار ایشان در آن فیلم بازی کنم و از او چیزهای زیادی یاد بگیرم. این بازیگر ادامه داد: هما مانند یک الماس بود، نه الماسی که ما دوست داریم مانند آن به نظر بیاییم بلکه او در ذات خودش الماس بود و کمترین نورافکن صحنه می‌توانست از او رنگین‌کمان بسازد. محمدعلی سجادی، سازنده مستند «حمید هما»، پس از آمدن روی سن درخصوص شخصیت هما روستا و حمید سمندریان به صحبت پرداخت و اعلام کرد که مستند حمید هما از دور بعدی اکران‌های گروه هنر و تجربه به نمایش درخواهد آمد.

نظر رئیس شورای نظارت و ارزشیابی درباره اکران فیلم محمد(ص)

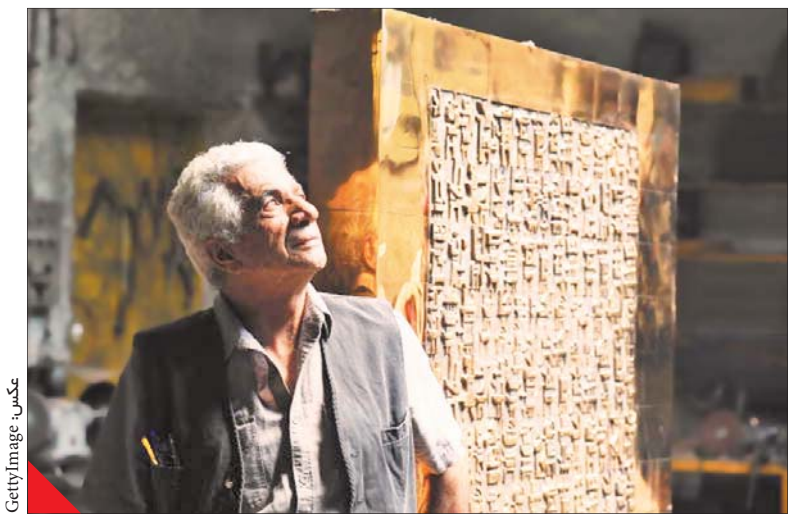
فرصت ویژه برای فیلم ویژه

شرق: آخرین فیلم مجید مجیدی، با دو سرگروه، بدون اعلام کف فروش و بدون زمان تعیین‌شده برای اکران، از چهارم شهریور در سینماهای کشور روی پرده رفته است. اکران این فیلم، اخیرا به تصمیم شورای صنفی نمایش، تا پایان محرم تمدید شده است. به گزارش خبرگزاری‌ها، نمایش این فیلم در تمامی ایام ماه محرم به‌جز روزهای تاسوعا و عاشورای حسینی ادامه دارد و فیلم تا ۲۴ مهرماه به فروشی بیش از ۱۰میلیاردو ۳۰۰میلیون تومان رسیده است. براساس هماهنگی‌های صورت‌گرفته و موافقت مدیرکل نظارت و ارزشیابی و همچنین نظر مثبت شورای صنفی نمایش، نمایش فیلم محمدرسول‌الله(ص) در تمامی ایام ماه محرم ادامه دارد و این فیلم فقط در دو روز نهم و دهم محرم مصادف با تاسوعا و عاشورای حسینی نمایش ندارد. درباره چرایی این تصمیم، که برخی رسانه‌ها آن را «تبعیض» توصیف کرده‌اند، نظر مدیر تولید این فیلم، همچنین معاون نظارت و ارزشیابی و یک کارگردان را جویا شده‌ایم. تلاش ما برای تماس با ابوالحسن داوودی و غلامرضا فرجی، رئیس و سخنگوی شورای صنفی نمایش، بی‌حاصل ماند. علیرضا رضاداد، مدیر تولید فیلم «محمد(ص)»، درباره این تصمیم اظهار بی‌اطلاعی می‌کند و می‌گوید: «ما بیشتر در مسائل تولید درگیر بودیم. در مورد پخش، شرکت نور تابان تمامی مذاکرات را برعهده داشته. من اصلا اطلاعاتی در این‌باره ندارم و شورای صنفی نمایش باید در این‌باره پاسخ‌گو باشد. فقط شنیده‌ام که چند فیلمی که قرار بوده در این مدت اکران شوند، خودشان علاقه‌مند نبوده‌اند که در این زمان اکرانشان را آغاز کنند و تصمیم شورای صنفی بر این بوده که در این ایام، همان فیلم‌های قبلی روی پرده بمانند». ابوالحسن برزیده، کارگردانی که هم‌اکنون «مزارشریف» را روی پرده دارد و فیلم او هم‌زمان با فیلم مجیدی اکران شده، درباره تصمیم شورای صنفی درخصوص تمدید اکران این فیلم به «شرق» می‌گوید: «فکر می‌کنم این اتفاق به‌خاطر محرم بوده و بعید نیست که با توافق خود فیلم‌هایی که در نوبت اکران بوده‌اند، این اتفاق افتاده باشد. اگر این اتفاق با توافق عوامل آن فیلم‌ها باشد، ایرادی ندارد والا اگر غیر از این باشد، مسلما تبعیض است». از او درباره میزان رضایتش از وضعیت نمایش «مزارشریف» می‌پرسیم و پاسخ می‌دهد: «به‌هیچ‌وجه از وضعیت اکران راضی نبودم، ابدا شرایط منصفانه‌ای حاکم نبود. در شهرستان‌ها سالن‌های بدی به این فیلم تعلق گرفته بود. به‌هرحال همه می‌دانیم که تبعیض‌هایی در اکران هست». حبیب ایل‌بیگی، معاون شورای نظارت و ارزشیابی نیز، از پاسخ به چرایی این تصمیم طفره می‌رود و می‌گوید: «تصمیم‌گیری درباره اکران برعهده شورای صنفی است و آنها باید پاسخ‌گو باشند. اما این‌دست اتفاقات را ویژگی‌های یک فیلم، رقم می‌زند. اگر این فیلم از فروش خوبی برخوردار نبود، مسلما همه سینمادارها خواستار تمدید اکرانش نبودند. تماس و درخواست‌هایی از شهرهای مختلف برای اکران داریم و این حاکی از فروش خوب این فیلم است. اگر برای یک فیلم فرصت ویژه‌ای فراهم می‌شود، به دلیل ویژه‌بودن خودِ فیلم است».

پرویز تناولی در مراسم رونمایی آثارش:

اصفهانی‌ها اجازه جابه‌جایی آجری راندهند

شرق: پرویز تناولی در مراسم رونمایی از آثار اهدایی خود به موزه هنرهای معاصر اصفهان با بیان اینکه خاطراتی بسیار زیبا و فراموش‌ناشدنی از اصفهان دارد، اظهار کرد: در سال ۱۳۸۰ شهرداری اصفهان تقدیس را از من خریداری و در مقابل ساختمان شهرداری نصب کرد. به گزارش خبرنگار ایسنا از اصفهان، تناولی ادامه داد: اصفهان گهواره آشنایی من با هنر بوده است و من با قفل‌سازان و فولادسازان حرفه‌ای زیادی در این شهر آشنا شدم. سازنده مجموعه مجسمه‌های «هیچ» با اشاره به وصیت مرحوم عبدالحسین سپنتا در مورد اهدای قفل‌های آن مرحوم به پرویز تناولی، افزود: حق اصفهان این است که هنرش متحول و امروزی شود؛ مردم جهان اصفهان را با هنرهای سنتی آن می‌شناسند اما باید علاوه‌براین، هنرمندان معاصر اصفهان نیز خود را عرضه کنند. وی اضافه کرد: این عرضه باید به نحوی باشد که خارجی‌ها باخبر شوند که هنرهای معاصر اصفهان همانند خودش پرمعنا، غنی و دوست‌داشتنی‌اند. تناولی با بیان اینکه باید مسئولان شهری در اصفهان مراکزی برای عرضه و خودنمایی هنرمندان هنرهای معاصر این شهر در نظر بگیرند، گفت: مردم دنیا به هنرهای معاصر علاقه‌مند هستند؛ هنرمند آینه افکار خود و فرهنگ خویش است و باید خود را عرضه کند. نویسنده کتاب «قفل‌های ایران» اظهار کرد: زمانی که تندیس من توسط شهرداری اصفهان خریداری شد، استقبال گرمی از این اتفاق صورت گرفت و سبب تشویق من به هدیه آثارم شد؛ این رویداد شاید بدعتی برای سایر شهرها و هنرمندان باشد و موجب این شود که هنرمندان همه توجه خود را متمرکز بر تهران نکنند.



عکس: GettyImage

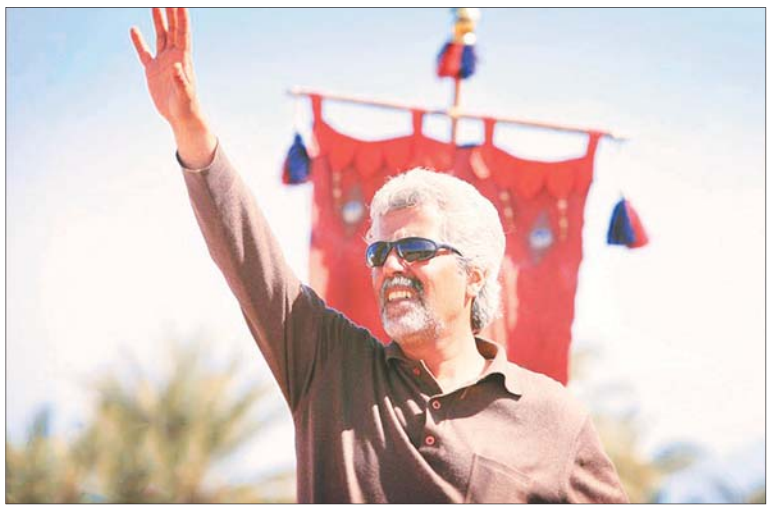
وی با بیان اینکه این آثار در انبارهای شهرداری بوده و اکنون پس از تمیزشدن و زدودن زنگارهای آن به نمایش درآمده، ادامه داد: این اتفاق با تلاش یکی از شاگردان اصفهانی من و با همکاری شهرداری اصفهان ممکن شد و درواقع هیچ‌کس به‌جز یک اصفهانی قادر به این کار نبود. سازنده مجموعه مجسمه‌های «قفل و قفس» گفت: هنرمندان باید همت کنند و با اهدای بخشی از آثار خود به شهرستان‌ها یا برگزاری نمایشگاه در آنها سبب رونق هنرهای معاصر در همه استان‌ها شوند.

تناولی با بیان اینکه موضوع آثار اهدایی به موزه هنرهای معاصر اصفهان «عشاق» است، اضافه کرد: من در اوایل دهه ۴۰ خواهان دنباله‌روی مکاتب ایتالیا نبودم پس به افسانه‌های ایرانی که در دنیا نمونه ندارند نظیر شیرین و فرهاد روی آورده و تم کار خود را عشاق قرار دادم. وی ادامه داد: من مجسمه‌سازی را در دهه ۴۰ با مس شروع کردم و هم‌زمان، هم مجسمه و هم نقش برجسته کار می‌کردم. این هنرمند معاصر با بیان اینکه بدون شک مراکز دولتی باید قدم جلو گذاشته تا شکاف بین هنرمندان و مردم کم شود، افزود: دانشگاه‌ها، شهرداری‌ها و فرهنگسراها باید فضای مناسب را برای هنرمند فراهم کرده و بین هنرمند و مردم ارتباط مستقیم برقرار کنند. تناولی گفت: اصفهان همچون فرش ایرانی چنان کامل است که هیچ هنرمند اصفهانی‌ای جرئت مقابله با آنها را ندارد. نویسنده کتاب «قالیچه‌های تصویری» با بیان اینکه هرگاه به اصفهان می‌آیم با دلی شکسته بازمی‌گردم، ادامه داد: اصفهانی‌ها نباید اجازه دهند آجری در شهرشان جابه‌جا شود؛ ساخت بناهای بیجا در شهر موجب تخریب چهره شهر می‌شود. در شهرهای خواهرخوانده اصفهان می‌توان به‌خوبی دید که در بافت سنتی هیچ بافت جدیدی ساخته نمی‌شود و این شهر با این ترتیب عاقبتی سیاه پیش‌روی خود دارد.

وی افزود: مردم جهان به حفظ آثار تاریخی و هنری اهمیت می‌دهند و در صورتی که ببینند در جایی به این موضوع بی‌توجهی می‌شود به آن مردم احترام نمی‌گذارند. تناولی اظهار کرد: اصفهان اکنون باید تلاش کند تا عقب‌افتادگی خود را در هنرهای معاصر جبران کند؛ مردم اصفهان ذاتا هنرمند بوده‌اند که چنین طبیعتی را می‌توان با راهنمایی، گفت‌وگو و دعوت از استادان این بخش از هنر به صورت فصلی یا ماهانه برای آموزش حرفه‌ای‌تر ادامه دهند. پس از این مراسم، سه اثر نقش برجسته پرویز تناولی در موزه هنرهای معاصر رونمایی شد.

سکوت درویش شکست

«رستاخیز» قربانی شد



شرق: احمدرضا درویش با حضور در شبکه شش سیما، با انتقاد از وضعیت مدیریت در سینما به اهالی سینما توصیه کرد که مشکلات سینما را در درون خانواده حل کنند. احمدرضا درویش شامگاه پنجشنبه ۲۳ مهر، با اشاره به اتفاقاتی که برای «رستاخیز» افتاده، گفت: در تمامی اتفاقاتی که برای فیلم رستاخیز از زمان ساخت تا نمایش رخ داد، یک حکمتی وجود دارد. همه ما جزء ارادتمندان حضرت اباعبدالله(ع) هستیم و خوشحالم که اقبال داشتیم و توانستیم خدمتی کنیم تا این فیلم را بسازیم و اگر در این راه سیلی هم خوردیم آن سیلی نوازش است. درویش افزود: ماجراهایی که در زمان نمایش و بعد از نمایش فیلم رستاخیز اتفاق افتاد به‌خوبی مدیریت نشد. البته دراین‌میان مهم این است که رستاخیز ساخته شد و در راه ساخته‌شدن آن عوامل فیلم تمامی جوانب عرفی، شرعی و سایر مسائل را رعایت کردند.کارگردان «کیمیا» در برنامه شهر فرهنگ شبکه خبر با انتقاد از مدیریت بخش فرهنگ گفت: متأسفانه زمانی که فیلم بر اساس دستور مدیران وزارت ارشاد از پرده پایین کشیده شد، هیچ‌کدام از سازندگان در جریان این تصمیم نبودند، حال باید پرسید چگونه است که با فیلمی که در زمان ساخت مجوز گرفته این‌گونه رفتار و درباره آن تصمیم گرفته می‌شود که صاحب فیلم در جریان نیست.درویش ادامه داد: پایین‌آمدن فیلم «رستاخیز» از اکران یک رویکرد فرهنگی است که باید واکاوی و پیرامون آن صحبت شود. هرچند در این مدت و تا دوماه بعد از پایین‌آمدن فیلم از اکران، مدیریت وزارت ارشاد و مسئولان ذی‌ربط صحبت می‌کردند اما من سکوت کردم.او همچنین گفت: مدیران وزارت ارشاد از طریق مطبوعات و رسانه‌ها حرف‌های خود را می‌زدند ولی ما سکوت کردیم و حرفی نزدیم درحالی‌که باید کمیته‌ای از سوی وزارت ارشاد در درون این وزارتخانه تشکیل می‌شد و این مسئله را واکاوی می‌کرد.کارگردان «دوئل» با اشاره به اینکه تولید هر اثر و کالایی در کشور با مجوز دستگاه مربوطه صورت می‌گیرد، گفت: در حوزه فرهنگ دستگاهی که برای این کار تعریف شده، وزارت ارشاد است و این دستگاه است که مجوز می‌دهد و باید از آن مجوز دفاع کند.وی ادامه داد: فرهنگ در مقایسه با بخش‌های دیگر مظلوم واقع شده است درحالی‌که اهمیت فرهنگ بسیار زیاد است. رفتار دولت و تغییراتی که در دو سال اخیر به وجود آمده نشان می‌دهد که فرهنگ خیلی دغدغه مسئولان نیست و همین مسئله حوزه فرهنگ را بسیار شکننده کرده است.درویش با تأکید بر اینکه در بخش موسیقی، تئاتر و سینما شکنندگی دیده می‌شود، گفت: مداخلات سیاسی و ورود جناح‌های سیاسی و خطی به بخش فرهنگ و مدیریت آن یک آفت بزرگ است و رفتاری که با «رستاخیز» شد این مسئله را ثابت کرد. رستاخیز بهانه‌ای بود برای عده‌ای تا تابلو سیاسی خود را بالا ببرند و زمانی که این اعتراضات به کف خیابان آمد، آنچه زیر سؤال رفت اخلاق بود درحالی‌که «رستاخیز» فیلمی درباره اخلاق حسینی و یک فیلم حسینی بود.

کارگردان «سرزمین خورشید» با اشاره به اینکه در جریان اعتراضات به «رستاخیز» علاوه بر سازندگان این فیلم، به مدیریت فرهنگی و وزیر فرهنگ نیز توهین شد، گفت: دو روز پیش از آغاز اکران فیلم «رستاخیز»، توافق ایران و ۵+۱ انجام شده بود و مسئولان فرهنگی نمی‌خواستند فضای عمومی جامعه تحت‌الشعاع «رستاخیز» قرار بگیرد و این فیلم به‌نوعی قربانی شد.

درویش ادامه داد: رفتاری که با این فیلم شد هزینه‌های زیادی را برای سینمای ایران به وجود آورد و در داخل و خارج از کشور بازتاب‌های گسترده‌ای داشت و این سؤال را ایجاد کرد که سرمایه‌گذاران خارجی چگونه باید به نحوه سرمایه‌گذاری در سینمای ایران اعتماد کنند. وی افزود: ما وقتی وارد ساخت فیلم رستاخیز شدیم از ابتدا تکلیف خود را می‌دانستیم و امروز نیز منتظریم مسئله این فیلم حل شود و عاشقان امام‌حسین(ع) فیلم را ببینند حتی اگر ۲۰ سال طول بکشد.درویش با اشاره به اینکه می‌توان فرهنگ، تاریخ و ارزش‌های کشور را با سینما منتقل کرد، افزود: ما با کشورهای منطقه و همسایه مشترکات زیادی داریم اما از بازار فرهنگی آنها بهره زیادی نمی‌بریم و این مسئله بسیار دردناک است.

وی ادامه داد: سینمای ما از یک بی‌توجهی اقتصادی رنج می‌برد و به‌طورمثال، از هرازو ۲۰۰ شهر کشور تنها ۶۴ شهر سینما دارند. درویش با رد این مسئله که سینمای ایران سینمای ورشکسته‌ای است، گفت: اصولا درآمدزایی و آورده اقتصادی در سینمای ایران وجود نداشته که بگوییم امروز این سینما ورشکست شده است. سینمای ایران یک سینمای تجربی است و تمام مسائل مالی و پول در دست دولت است و اگر دولت از سینما خودش را کنار بکشد، این سینما ضربه می‌خورد. از طرف دیگر بسیاری از آثار سینمایی بر اساس دغدغه فردی سینماگران و از روی علاقه و پشتکار شخصی آنها ساخته می‌شود. وی با انتقاد از صحبت‌های محمدرضا شریفی‌نیا که در برنامه هفته قبل شهر فرنگ به مصرف مواد مخدر در بین بازیگران اشاره کرده بود، گفت: اولا من معتقدم که چنین مسئله‌ای در بین بازیگران و سینماگران وجود ندارد و اگر چنین چیزی وجود دارد باید آن را در درون خانواده سینما استتار و در درون خانواده آن را حل کنیم.او همچنین منتقدانه گفت: به شریفی‌نیا و دیگران توصیه می‌کنم که از محاسن بگوییم و عیوب را در داخل خانواده رفع کنیم. او درباره کارهای آینده خود نیز گفت: قله اعتقادی و هویتی من فیلم رستاخیز است و تا زمانی که وضعیت این فیلم روشن نشود به فیلم دیگری فکر نمی‌کنم و نمی‌توانم فیلم دیگری را شروع کنم.

شرکت ملی گاز ایران
شرکت گاز استان تهران (سهامی خاص)

مناقصه عمومی (یک مرحله ای)
به شماره ۷/۰۰۶۳ – ۹۴

نوبت اول

شرکت گاز استان تهران در نظر دارد حفاری چاههای حفاظت کاتدی مناطق ۱۱، ۷، ۶، ۵، ۳، ۲، ۱ گازرسانی و خطوط لوله تهران با مشخصات و شرایط ذیل از طریق مناقصه عمومی به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید.
۱ –شرح مختصر کار:–عملیات حفاری ۲۱ حلقه چاه حفاظت کاتدی به عمق ۲۷۷۵ جهت ایستگاه های حفاظت از زنگ. –مشبک نمودن ۶۳۰ متر لوله ۱۲ اینچ فولادی–انجام کارهای ساختمانی و تخریب.
۲ –مدت اجراء پروژه:
مدت اجراء پروژه ۳۶۰ (سیصد و شصت) روز تقویمی می باشد.
۳ –محل اجراء پروژه: در محدوده مناطق ۱۱، ۷، ۶، ۵، ۳، ۲، ۱ و خطوط لوله گازرسانی تهران می باشد.
۴ –میزان تضمین شرکت در مناقصه:
مبلغ ۳۵/۰۰۰/۰۰۰ (سی و پنج میلیون) ریال می باشد.
۵ –نوع و مبلغ تضمین شرکت در مناقصه:
ضمانت نامه بانکی معتبر براساس آیین نامه تضامین معاملات دولتی مصوبه هیات وزیران به شماره ۴۲۹۵۶/ ت ۲۸۴۹۳ ه مورخه ۱۱ آبان ۱۳۸۲ و اصلاحات بعد از آن درخصوص کارهای پیمانکاری.
۶ –مهلت دریافت اسناد مناقصه:
از تاریخ ۱۳۹۴/۰۷/۲۹ لغایت ۱۳۹۴/۰۸/۰۵ می باشد.
۷ –زمان ارسال پیشنهادات: روز یکشنبه، مورخ ۱۳۹۴/۰۸/۱۷ می باشد.
۸ –زمان گشایش پیشنهادات: روز دوشنبه مورخ۱۳۹۴/۰۸/۱۸ می باشد.
۹ –مدت اعتبار پیشنهادات: مدت اعتبار پیشنهادات سه ماه بوده و تا سه ماه دیگر نیز قابل تمدید می باشد.
۱۰ – شرایط متقاضی:
۱ –داشتن رتبه ۵ تاسیسات، تجهیزات یا رتبه ۵ نفت و گاز از معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری.
۲ –داشتن تجربه کافی و مرتبط با موضوع مناقصه.
(انجام حداقل یک کار مشابه)
۳ –داشتن حسن سابقه در کارهای قبلی.
۴ –داشتن توان مالی.
۵ –ثبت نام و اخذ کد اطلاع رسانی مناقصات از معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری.
۶ –عطف به آیین نامه اجرایی راهکارهای افزایش ضمانت اجرایی و تقویت حسابرسی، انعقاد قراردادهای بیش از ۱۰ برابر نصاب معاملات متوسط، صورتهای مالی حسابرسی شده توسط حسابدار رسمی، عضو جامعه حسابداران رسمی مورد نیاز می باشد.
۷ –ارائه گواهینامه معتبر از معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری و روزنامه رسمی جهت دریافت اسناد الزامی می باشد. متقاضیانی که دارای شرایط مذکور در بند «۱۰» فوق بوده و آمادگی اجرای پروژه را دارند، می توانند در مهلت تعیین شده فوق الذکر، جهت دریافت اسناد مناقصه با در دست داشتن معرفی نامه و فیش واریزی به مبلغ ۱۰۰۰۰۰ ریال به حساب جاری جام به شماره ۶۳۳۸۳۳۲۷۹۶ بانک ملت شعبه ایرانشهر به نام شرکت گاز استان تهران به آدرس تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، نبش خیابان اراک، ساختمان شماره ۱۶۰، طبقه چهارم، بلوک ۷، امور قراردادها مراجعه نمایند.
روابط عمومی شرکت گاز استان تهران

چسب و قیچی

همت ندارد ولی رودارد



مهرداد احمدی‌شیخانی

● کارهای بسیاری هست که دوست دارم بلد باشم انجام دهم ولی هرکسی تنبلی‌هایی دارد و من هم به‌گمانم به‌خاطر همین تنبلی، خیلی از کارهایی که دوست دارم را، یاد نگرفته‌ام. ولی اگر بخواهم یاد بگیرم چه باید بکنم؟ قطعا سر کلاس‌رفتن و از استاد آموزش‌گرفتن بهترین راه است ولی راه دیگری نیست؟ تا آنجا که می‌دانم برای آموختن خیلی از کارها، کتاب خاص آن وجود دارد و حتی اگر به کلاس بروم هم ناگزیر از کمک‌گرفتن از کتاب هستم. همین الان که این سطرها را می‌نویسم، به موتور جست‌وجوگر گوگل مراجعه کردم تا ببینم برای آموختن چه کارهایی، کتاب به زبان فارسی وجود دارد. از سخت‌ترینش شروع کردم، نوشتم «کتاب آموزش جراحی قلب». تعداد زیادی کتاب به زبان فارسی معرفی شد. یکی از آنها کتاب «جراحی پیوند قلب» بود. بعد نوشتم «آموزش خوشنویسی»، باز یک‌عالمه کتاب معرفی شد، آموزش نجاری، طراحی، آشپزی، نقاشی، موسیقی، آهنگری و همین‌طور رفتم جلو و برای هرکدام کتاب‌هایی معرفی می‌شد. خب دیگر نمی‌شود بهانه آورد، هر چیزی را که بخواهم یاد بگیرم کتابش هست، حتی برای «جراحی قلب باز». گیرم کسی حتی جرئت نکند جنازه‌اش را هم به من بدهد که قلبش را بشکافم، ولی کتابش هست. اقلا دانشجویان پزشکی، غیر از درس معلم که زمزمه محبت است و جمعه هم آنها را به مکتب می‌کشاند، می‌توانند برای تکمیل آموزش، کلی کتاب با یک‌عالمه تصویر دقیق از مراحل «جراحی قلب» در اختیار داشته باشند. یا چرا راه دور برویم، عروس و دامادهای این دوره و زمانه که در خانه پدری، هی برایشان پخته‌اند و آنها خورده‌اند بالاخره ازدواج که بکنند، روزی مجبور می‌شوند خودشان غذایشان را بپزند. نمی‌شود که هر روز و شب خانه باباجان این و مامان‌جان آن یکی و خانه عمه‌خانم و خاله‌جان خراب شد. آخرش که باید آشپزی کنند. آن قدیم‌ها راه‌حلش کتاب رزاخانم منتظمی بود و حالا اثر خامه استاد نازنین، نجف دریابندری که سایه‌اش بر سرمان بماند ان‌شاءالله.

در گوگل می‌گشتم که از خودم پرسیدم آیا برای حرفه گرافیک هم کتاب آموزشی وجود دارد؟ آموزش به معنی روش انجام مراحل یک کار. نوشتم کتاب آموزش طراحی پوستر، جواب آمد فتوشاپ! نوشتم کتاب آموزش طراحی سربرگ، باز هم جواب آمد فتوشاپ! نوشتم طراحی نشانه و باز هم نتیجه هیچ! انگار برای یادگرفتن همه‌چیز کتاب هست غیر از گرافیک. دلیلش چیست؟ آیا آموختنش دشوار است؟ مثلا حتی دشوارتر از جراحی قلب باز؟ آیا بسیار ذوقی است و درگیر با احساسات گاه متناقض؟ یعنی ذوقی‌تر و حسی‌تر از نقاشی و موسیقی؟ آیا بسیار فنی و تکنیکی است؟ همچون نجاری و مکانیکی؟ خب دلیلش چیست که همه اینها کتاب برای آموختن دارند و گرافیک ندارد؟ نه‌اینکه گرافیک کتاب نداشته باشد؛ چرا دارد، خیلی هم دارد ولی همه یا آلبوم آثار است یا ذکر خاطره یا افاضات جهان‌گشا. تا دلتان بخواهد از این‌جور کتاب‌های گرافیک داریم اما دریغ از کتابی برای آموختن. کتاب هر رشته‌ای را استادان آن می‌نویسند و الحمدلله تا دلتان بخواهد استاد گرافیک داریم؛ استادانی که اعتبار و شهرت برخی‌شان از مرزهای کشور گذشته و در جهان نام‌آور شده‌اند. کارهایشان در بی‌ینال‌ها جایزه می‌برد، بعضی داور جشنواره‌های معتبر جهانند. اسم بعضی را روی سنگ بگذاری، سنگ آب می‌شود. هم در بین مسن‌ترها و هم در بین جوان‌ترها از این قبیل بسیار داریم اما حتی یکی‌شان کتابی برای آموختن ندارد، حتی یک‌نفرشان. باور می‌کنید که حتی یک نفر از این بزرگان حتی یک کتاب برای آموزش گرافیک ننوشته باشد؟! یک نفر هم که با عنوان «صفحه‌آرایی» کتابی نوشته و سال‌هاست که مکرر تجدیدچاپ شده، کتابی برای چگونگی انجام کار گرافیک ننوشته، کتابی برای اطلاعات نشر نوشته ولی اسمش را گذاشته «صفحه‌آرایی»! کتابی که گرافیک یاد نمی‌دهد، فقط برخی اطلاعات در حوزه نشر را در خود جمع کرده است.

بارها بر سر این موضوع با استاد بزرگوار، مرحوم مرتضی ممیز که حرفه ما بسیار به او مدیون است گفت‌وگو داشتم که چرا دانشش را در انجام یک اثر گرافیک، از ابتدا تا انتها مکتوب نمی‌کند تا همچو منی که هیچ‌وقت امکان حضور در کلاس درسش را نداشتم نیز بتوانم آن را یاد بگیرم. با دیگرانی هم بر سر این موضوع بحث و جدل کرده‌ام. گاهی حتی کار به مشاجره هم کشیده است، اما دریغ از یک نفر که بنویسد. آخر چطور ممکن است که هر رشته‌ای برای خود و در شاخه‌های متعددش کتاب داشته باشد و گرافیک نداشته باشد؟! پزشکی که با جان مردم سروکار دارد، از یاددادن یک پانسمان ساده کتاب دارد تا پیوند قلب. عروس‌خانم‌ها هم از کتاب «مامان‌رزا» تا کتاب «بابانجف»، رنگ‌به‌رنگ کتاب دارند اما گرافیک کتاب ندارد شاید هم همت ندارد، اما تا دلتان بخواهد رو دارد.